رساله غوثیه

اثر:حضرت عبدالقادرگیلانی (س.ع)



مترجم : ح.ک.مقدم

بنام خالق بی همتا

نام کتاب : رساله غوثیه

اثر : حضرت عبدالقادر گیلانی (سلام الله علیه)

مقدمه مترجم:

درمیان تمام اولیای الهی درتمامی دوران –پس ازحضرات معصومین ع – این تنها حضرت عبدالقادرگیلانی بوده که مظهرخطاب مستقیم حضرت احدیت گردیده

وحتی اذن اعلان آن را نیز یافته است اگربه شواهدومدارک روشنی که درسخنرانی ها وآثاربجا مانده ازایشان توجه کنیم درمی یابیم که علیرغم ادعای واهی برخی ،ایشان همواره تا لحظه آخرحیات پربرکتشان درراه مستقیم اهل بیت علیهم السلام ،که اجداد مطهرخودشان نیرمیباشند،قدم برداشته اند.

درمیان تمامی مسلمانان غیرشیعه درسراسردنیا هیچکدام ازاولیای الهی درحد واندازه حضرت عبدالقادرگیلانی مشهوربه پاسخگویی درخواست دردمندان نبوده اند واین همان سیره اجدادمکرّم ایشان، حضرت نبی اکرم ص ودیگرحضرات معصومین ع میباشد.

باردیگرلازم میدانم با یادآوری عظمت خسارت ناشی ازعدم حضورآثارایشان درمیان هموطنانِ ایشان درایران درطی قرنهای گذشته،حضورمجددآثارشان درمیان فرزندان معنویشان راآرزو نموده و به فرزندان

ایران که همان فرزندان معنوی ایشان میباشند تاکیدنمایم که اگردرپی نوشیدن اززلال سرچشمه وحی وعصمت میباشید لحظه ای از آثارآن فرزند مطهرحضرت پیامبرص وامیرالمومنین ع دورنمانند.

با احترام

ح.ک.مقدم

قال الغوث الاعظم اَلمُستَوحِشُ غَیرَاللهِ المُستَانِسُ بِالله

حضرت عبدالقادرگیلانی –غوث الاعظم- می فرماید :

هرکسی که ازماسِوَی الله بُرید با الله انسیت می یابد.

قال الله تعالی یا غوث الاعظم ،قُلتُ لبّیکَ یا ربّ الغوث

الله تعالی ندافرمود : ای غوث اعظم ،من هم عرض کردم لبّیک ای پروردگارغوث.

قالَ کُلُّ طَورِبَینَ النّاسوتِ وَالمَلَکوتِ فَهِیَ شَریعة

حق تعالی فرمود :

هرآنچه که مابین ناسوت وملکوت هست (یعنی مابین مستدرکات حسّی وظاهری وباطنی وملکوتی) آن شریعت است.

وَکُلُّ طَورِ بَینَ المَلَکوتِ وَالجَبَروت فَهِیَ طَریقة

وتمامی اطوارمابین ملکوت وجبروت، طریقت میباشد.

وَکُلُّ طَورِ بَینَ الجَبَروت واللاهوت فَهِیَ حقیقة

وتمامی اطوارمابین جبروت ولاهوت همانا حقیقت است

وَقالَ یاغَوثُ الاَعظم ما ظَهَرتُ فی شئٍ کَظُهوری فی الانسان

وباز الله تعالی فرمود :

ای غوث اعظم به اندازه ای که در انسان ظهوریافتم درهیچ چیزظاهرنشدم.

ثُمَّ سَاَلتُ فَقُلتُ یارَبِّ هَل لَکَ مَکانٌ فَقالَ لی یا غوث الاعظم اَنا مَکانُ المَکان

وَلَیسَ لی مَکانٌ وَاَنا سِرُّالاِنسان

سپس ازحق تعالی پرسیدم: ای پروردگارم آیا هیچ مکانی دارید؟

فرمود که : من مکانِ مکان هستم ،برای من مکان وجود ندارد و من سِرّ انسان هستم.

ثُمَّ سَاَلتُ فَقُلتُ یاربِّ هَل لَکَ شُربٌ وَاَکلٌ قالَ اَکلی اَکلُ الفَقیروَشُربُهُ شُربی

سپس پرسیدم : ای پروردگارم آیا چیزی می نوشی ومی خوری؟

حق تعالی فرمود : غذای من غذایی است که فقیر می خورد وآنچه او می آشامد آشامیدنی من است.

ثُمَّ سَالتُ یاربّ مِن اَیِّ شَیً خَلَقتَ الملائِکَه

قالَ تَعالی خَلَقتُ مِن نُورِالاِنسان وَخَلَقتُ الاِنسانَ مِن نُورِظُهُوری

سپس سوال کردم : ای پروردگارم فرشتگان را ازچه چیزی آفریدی ؟فرمود: ای غوث اعظم ملائک را ازنورانسان آفریدم ،انسان راهم ازنورظهورخودم آفریدم.

ثُمَّ قُلتُ یارَبَّ الغَوث هَل لَکَ مَطیَّةٌ قالَ یا غوث الاعظم جَعَلتُ الاِنسانَ مَطیَّتی وَجعَلتُ سائِرَالاَلوانِ مَطیَّةَ الاِنسان

سپس پرسیدم : ای پروردگارغوث آیا برای شما مَرکَبی هست؟

حق تعالی فرمود : ای غوث اعظم من انسان را مرکَبِ خویش قراردادم ودیگرمخلوقات رامَرکَبِ انسان قرار دادم.

وقالَ لی یا غوث الاعظم نِعمَ الطّالِبُ اَنَا وَنِعمَ الرّاکِبُ الانسانُ ونِعمَ المَرکوبُ لَهُ سائِرُالاَکوان

وبازفرمود : ای غوث من چه طالبِ خوبی هستم و چه مطلوب خوبی است انسان

وتمامیِ عالم هم چه مَرکوبِ خوبی است برای او.

وقالَ لی یاغوث الاعظم اَلاِنسانُ سِرّی وَاَنَا سِرُّهُ وَلَوعَرَفَ الاِنسانُ مَنزِلَتَهُ عِندی لَقالَ فی کُلِّ نَفَسٍ مِنَ الانفاسِ لا مُلکَ الیَومَ اِلّا لی   یا غَوث الاعظم ما اَکَلَ الاِنسانُ وَشَرَبَ شیئاً وَماقامَ وَماقَعَدَ وَمانَطَقَ وَما صَمَتَ وَما فَعَلَ فِعلاً وَما تَوجَّهَ بِشَییً وَماغابَ عَن شَییً اِلّا اَنَا فیهِ ساکِنُهُ وَمُحَرِّکُهُ وَمُسُکِّنُهُ

وباز فرمود: ای غوث اعظم انسان سِرِّ من است ،من هم سِرِّ انسان هستم.اگرانسان منزلتی که نزدمن دارد را می شناخت درهر نفسی می گفت:

لا مُلکَ الیَوم اِلّا لی

امروز مُلکی نیست جزآنکه از آنِ من است

وای غوث اعظم من درتمامی احوالِ انسان مانندخوردنش آشامیدنش انجام دادنِ کارش ومتوجه چیزی شدنش و ازچیزی دوری نمودنش ،پنهانم ،محرّک وآرامش دهنده اویم.

وقالَ لی یا غوث الاعظم جِسمُ الاِنسانِ وَنَفسُهُ وَقَلبُهُ وَروحُهُ وَسَمعُهُ وبَصَرُهُ وَیَدُهُ وَرِجلُهُ وَکُلُّ دلِکَ هُوَ اَظهَرتُهُ نَفسی لِنَفسی لاهُوَاِلّا اَنَا وَلا اَنَا غَیرُهُ

وحق تعالی فرمود: ای غوث اعظم من جسم انسان،نفسش،قلبش ،روحش،گوشش،چشمش،زبانش،پایش،دستش وهرآنچه که داردرابرای نفس خودم یعنی برای ذات خودم اظهارنمودم.درانسان هرچه ظاهراست نفس من است ،غیرازمن نیست ومن هم غیراونیستم.

انسان وجودندارد، من هستم ومن غیرِانسان نیستم.

وقالَ لی یاغوث الاعظم اِذا رَاَیتَ المُحتَرِقَ بنارِالفَقروَالمُنکَسِرِ بنارِالفاقَةِ فَتَقَرَّب اِلَیهِ فَاِنَّهُ لاحِجابَ بَینی وَبَینَهُ

وبازفرمود : ای غوث اعظم زمانی که شخصی رادیدی که درآتشِ فقرمی سوزدوزمانی که شخصی رادیدی که ازآتشِ ناداری می سوزد بلافاصله به اونزدیک شو زیرا میانِ من واو هیچ پرده ای وجود ندارد.

کَما قالَ رَسُولُ الله صَلَّی اللهُ تعالی علیه (وآله) وسَلَّم : اَلفَقرُفَخری وَبِهِ اَفتَخِرُعَلَی الاَنبیاء وَالمُرسَلین وَکَما قیلَ فَاِذا اَتَمَّ الفَقرُ فَهُوَالله.

چنانچه رسُول الله ص فرمودند : فقرافتخارمن است من با آن دربرابرِدیگرانبیاء ورسولان مباهات می نمایم.

وباز همانگونه که گفته شده : زمانی که فقرکامل شد آن الله است.

ثُمَّ قالَ لی یا غوثُ الاَعظَم لاتَاکُل طَعاماَ وَلاتَشرَب شَراباَ وَلاتَتَمَّ اِلّاعِندی بِقَلبٍ حاضِرٍ وَعَینٍ ناظِرٍ

وباز فرمود: ای غوث اعظم ،تنها درنزدِمن بخور،بیاشام وبخواب،باقلبی حاضروچشمی ناظر

ثُمَّ قالَ لی یا غوث الاعظم مَن حُرِمَ عَنّی بِسَفَرِالباطِنِ ابتَلَیتُهُ بُالسَّفَرِالظّاهِرِ

سپس حق تعالی فرمود : ای غوث اعظم اگرشخصی ازسوی من ازسفرباطنی محروم شود ،من اورا مبتلا به سفرظاهری می سازم

ثُمَّ قالَ لی یا غوث الاعظم اَلاِتّحادُ حالٌ لایُعَبَّرُبِلِسانِ القالِ فَمَن آمَنَ بِهِ قُبِلَ وَمَن رَدَّالحالَ فَقَد کَفَرَوَمَن اَرادَالعِبادَةَ بَعدَالوُصلِ فَقَد اَشرَکَ بِاللهِ العَظیم

سپس حق تعالی فرمود: ای غوث الاعظم اتحاد حالی است که نمی توان با زبان وحرف بیانش نمود.هرکس به آن ایمان آورد مقبول گردد و اگر رد نماید کافرگردد.شاید اگرپس ازوصلت ،عبادت را مرادنماید به الله عظیم مشرک گردد.

ثُمَّ قالَ لی یا غوث الاعظم مَن سَعَدَ بِسِعادَةِ الاَزل فَطوبی لَهُ لَم یَکُن مَخذولاً بَعدَ ذلِکَ قَطُّ اَبَداَ وَمَن شَقِیَ بَشِقاوَةِ الاَزَل فَوَیلٌ لَهُ لَم یَکُن مَقبُولاَ بَعدَذلِکَ قَطُّ اَبَداَ

وبازالله تعالی فرمود: ای غوث اعظم هرکس باسعادتِ ازلی مسعودگردد خوشا به حالش ،دیگراوتاابد رسوا و رذیل نمی گردد.هرکس هم باشقاوت ازلی شقی گردد وای برحالش ،آن شخص دیگرتا ابدمقبول نخواهدشد.

ثُمَّ قالَ لی جَعَلتُ الفَقرَوَالفاقَة مَطییّانِ لِلاِنسان لَمَن رَکِبَهُمافَقَد بَلَغَ المَنزِلَة قَبلَ اَن یَقطَعَ المَفاوِزَ وَالبَوادی

بازحق تعالی فرمود: ای غوث اعظم فقرو ناداری را مرکبِ انسان قراردادم.آن کس که به مرکبِ فقروناداری سوارشود بدونِ خسته شدن ازراههای پیچ درپیچ ،درّه های بی آب وعلف وصحراها گذشته به مقصدش واصل می گردد.

(دراینجا اشاره به فقرحقیقی است که به معنای غنی نشدن جزبا وصال حضرت حقّ میباشد.)

ثُمَّ قالَ لی یا غوث الاعظم اَلمُحَبّةُ حِجابٌ بَینَ المُحِبِّ وَالمَحبوب وَبَینَ فَاِذا اَفَنی المُحِبُّ عَنِ المَحَبَّةِ وَصَلَ المَحبُوب

سپس حق تعالی فرمود: ای غوث اعظم محبت پرده ای است میان عاشق ومعشوق،زمانی که عاشق ازآن فانی شد واصل به محبوب می گردد.

ثُمَّ قالَ لی یا غوث الاعظم لَوعَلِمَ الانسانُ ماکانَ لَهُ بَعدَالمَوتِ ما تَمَنّی حیوةِ الدُّنیا فِی الدُّنیا وَیَقُولُ فی کُلِّ لَمعَةٍ اَمِتنی اَمِتنی

بازحق تعالی فرمود: ای غوث اعظم اگرانسان می دانست که حالِ پس ازمرگش چگونه خواهدشد،زمانی که دردنیا بود قطعاً حیات دنیوی را آرزو نمی کردوهر

لحظه به پروردگارش ندامی نمود : مرا بمیران مرا بمیران.

ثُمَّ قالَ لی یا غَوثُ الاَعظم اَحَبُّ الخَلائِقِ عِندی یَومَ القیامَةِ الصُّمُّ البُکمُ العُمیُ التَّحَیُّرُ وَالبُکاءُ وَفِی القَبرکَذلک

سپس حق تعالی فرمود : ای غوث اعظم روز قیامت محبوبترین بندگان نزدمن کسی است که کَراست لال است کوراست،متحیّر وگریان است.درقبرهم چنین است.

وَقالَ لی یا غَوثُ الاَعظم مَن رَآنی استَغنی عَنِ السُّئوالِ فی کُلِّ حالٍ وَمَن لَم یَرَنی لَم یَنفَعهُ السُّئوال وَهُوَ مَحبُوبٌ بِالمَقال

وبازحق تعالی فرمود : ای غوث اعظم هرآنکه مرابببیند درتمام احوال ازسئوال نمودن مستغنی می گردد.برای کسی هم که مرا ندیده باشد سئوال کردن هیچ فایده ای نخواهدداشت.اوبوسیله سخن محبوب گردیده است.

ثُمَّ قالَ لی یا غَوثُ الاَعظم اَلاَرواحُ کُلُّها یَتَراقَصونَ فی قَوالِبِهم اِلی یَومُ القیامَةِ بَعدَ مَقالی اَلَستُ بِرَبِّکُم ثُمَّ قالَ رَاَیتُ الرَّبُّ تعالی

پس ازآن حق تعالی فرمود: ای غوث اعظم تمامی ارواح بعدازاین قول من : اَلَستُ بِرَبِّکُم، تافرارسیدن روزقیامت درقالبهایشان به رقص مشغولند .سپس می گویند پروردگارتعالی را دیدیم (ومشغول سماع می گردند تا روزقیامت).

ثُمَّ قالَ لی یا غَوثُ الاَعظم مَن سَاَلَنی مِنَ الرُّویَةِ بَعدَالعِلم فَهُوَ مَحجوبٌ وَمَن ظَنَّ اَنَّ الرُّویَةَ غَیرُالعِلمِ فَهُوَ مَغرورٌ بِرویَةِ الرَّب

سپس حق تعالی فرمود: اگرشخصی پس از دانستن وعلم، رویتِ مرا طلب کند، اومحجوب است.

وکسی که تصوّرکند رویت چیزی غیرازعلم است،او مغرور ازدیدارِ ربَّش می باشد.

وَقالَ لی یا غَوث لَیسَ الفَقیرُ عِندی مَن لَیسَ لَهُ شَیئُ بَلِ الفَقیرُالَّذی لَهُ الاَمرُفی کُلِّ شَیئً کُن فَیَکُون

وهم چنین فرمود : ای غوث درنزدمن فقیر کسی نیست که هیچ چیزنداشته باشد بلکه کسی است که هرچه بخواهدکه بشود،درهمان لحظه بشود.

وَقالَ لی یا غَوثُ لا اُلفَة وَلا نِعمَة فِی الجَنَّةِ بَعدَ ظُهُوری فیها وَلا وَحشَة وَلاحُرمَة فِی النّاربَعدَ خِطابی لَها

وبازحق تعالی فرمود : ای غوث پس ازاینکه من دربهشت ظهورنمودم دیگربرای اهل بهشت الفت ونعمتی نمی ماند.

وباززمانیکه من درجهنّم خطاب نمودم برای اهل جهنم سوختنی وجود ندارد و وحشتی وجود ندارد.

(خداوند به اهل جهنم که درحال سوختن ووحشت هستند خطاب میفرماید: وَقالَ اَخّسئُوفیها وَلا تُکَلّمون – با ذلِت درآنجا ساکت باشید وبمانید.هیچ نگوئید.پسازاین خطاب یَاسِ کامل براهل جهنم مسلّط میشود.مَن لَم یَذُق وَلَم یَعرِف- کسیکه نچشیده باشد ونداند.)

الله که بهترین حفظ کنندگان است با لطف ونعمتش مارا محافظت فرمایدازشرّ نفس هایمان وازبدی های اعمالمان به الله پناه می بریم.یعنی حقد تعالی فرمودکه :

ای غوث قلبیکه من به آن نظروالتفات نمایم دیگر مطلقاً تنهایی را حس نمی کندودرآتش نمی سوزد و معذّب نمیگردد.

یا غَوثُ اَنَا اَکرَمُ مِن کُلِّ کَریمٍ وَاَنَا اَرحَمُ مِن کُلِّ رَحیمٍ

وحق تعالی فرمود: ای غوثمن کریم ترازتمامی کریمان هستم ورحیم ترازتمامی رحیمان

وَقالَ لی یا غَوثُ الأعظَم ثم عِندی لَاکَنَومَةِ العَوامِ ثرانی فَقُلتُ یارَبِّ کَیفَ اَنامُ عِندِکَ قالَ بِخَمُودِالجِسم عَنِّ الّذّاتِ وَخَمُودِالنَّفسِ عَنِ الشَّهَوات وَخَمُودِالرُّوحِ عَنِ الّحَظات وَفَناءِ ذاتِکَ فِی الذّات

وباز حق تعالی فرمود: ای غوث اعظم درنزدمن مانند عَوام نخواب، تامرابیبینی

سپس عرض کردم : ای پروردگارم چگونه درحضورت بخواب روم؟

حق تعالی فرمود : بافارغ نمودن جسمت ازخمودگیِ لّذّات ونفست ازخمودگی شهوات و دورنمودنِ روحت ازخمودگیِ خاطراتِ آنی،وبا فنا یافتنِ ذاتت درذاتِ من.

قالَ لی یا غَوثُ الاَعظَم قُلتُ لَبَّیکَ یارَبَّ العَرشِ العَظیم ،فَقالَ قُل یارَبَّ الکَریمِ وَالرَّحیم

وبازحق تعالی ندا فرمود: یا غوث اعظم، بنده عرضکردم لبّیک ای پروردگار عرش عظیم ، درپیِ این عرضم حق تعالی فرمود : بگو ای پروردگارکریم و ای پروردگاررحیم.

یاغَوث قُل لِاَصحابِکَ وَاَحِبّائِکَ مَن اَرادَمِنکُم صُحبَتی فَعَلَیهِ بِالفَقرِ ثُمَّ فَقرِالفَقر ثُمَّ فَقرِعَنِ الفَقر فَاِذا تَمَّ فَقرُهُم فَلا اِلّا اَنَا

حق تعالی فرمود: ای غوث به یارانت ودوستانت بگو: اگرآرزوی مصاحبتِ بامن رادارند فقراختیارنمایندسپس فقرِفقر راوبعدازآن هم ازفقرِفقرهم فقراختیارنمایند و وقتی به این شکل فقرکامل گردید،دیگرآنان وجود ندارند، تنها من میمانم.

وَقالَ لی یاغَوثُ طُوبی لَکَ اِن کُنتَ رَئوُفًا عَلی بَرِیَّتی ثُمَّ طُوبی لَکَ اِن کُنتَ غَفُوراً لِبَریّتــی

وبازحق تعالی فرمود: ای غوث خوش به حالت اگربه مخلوقات من مرحمت نمائی وبه حالشان دل بسوزانی وبازخوشابه حالت اگرخطاهای مخلوقاتم را عفو نموده ببخشائی.

قالَ لی یا غَوثُ الاَعظَم جَعَلتُ فِی النَّفسِ طَریقَ الزّاهِدین وَجَعَلتُ فِی القَلبِ طریقَ العارِفینَ وَجَعَلتُ فِی الرُّوحِ طَریقَ الواقِفینَ وَجَعَلتُ النَّفسَ مَحَلَّ الاَحرار

وبازحق تعالی فرمود: ای غوث اعظم من طریقِ زاهدان را درنفس،طریقِ عارفان رادرقلب،طریقِ واقفان را درروح قراردادم ونفس راهم محلِّ اَحرار قراردادم

(ازاین رو قُلُوبُ الاَحرار قُبوُرُالاَسرار- قلوب احرار-آزادگان- قبورِاسراراست).

قالَ لی یاغَوثُ الاَعظَم قُل لِاَصحابِکَ اِغتَنَمُوا دَعوَةَ الفُقَراء فَاِنَّهُم عِندی وَاَنَا عِندَهُم

وبازحق تعالی به بنده فرمود:ای غوث اعظم به یارانت بگو : دعای فقراراغنیمت شمارند زیراآنان درنزدِمن هستند ومن نزدِایشانم.

قالَ لی یاغَوثُ الاَعظم اَنَا مَأوی کُلِّ فَقیرٍ وَمَسکَنُهُ وَمَنظَرُهُ وَاِلَیَّ المَصیر

به بنده فرمود: ای غوث اعظم من پناهگاهِ مَساکین وفقراء و مَنظَرایشانم وهم بازگشتِ آنان به من است.

قالَ لی یاغَوثُ الاَعظَم لاتَنظُرالِی الجَنَّةِ وَمافیها تَرانی بِلا واسِطَةٍ وَلا تَنظُر اِلَی النّاروَما فیها تَرانی بِلاواسِطَةِ

حق تعالی به بنده فرمود: ای غوث اعظم به بهشت وآن چیزهائی که دربهشت هست نگاه نظرنکن تا بدونِ واسطه مرابببینی، به جهنّم وآنچه که درجهنّم هست نگاه نکن تامرابی واسطه ببینی

قالَ لی یاغَوثُ الاَعظَم اَهلُ الجَنَّةِ مَشتَغِلُونَ بِالجَنَّةِ وَاَهلُ النّارِ مَشتَغِلُونَ بی

حق تعالی به بنده فرمود: ای غوث اعظم اهلِ بهشت مشغولِ بهشت هستند واهلِ جهنّم مشغولِبه من هستند.

{درنسخه ای دیگرچنین آمده : وَاَهلُ النّارمَشغُولُونَ بِالنّارفَکُن اَنتَ مَشغُولًا بی

ای غوث اعظم اهل جهنم مشغول جهنم هستند اما تومشغول به من باش.}

قالَ لی یاغَوثُ اِنَّ لی عِباداًمِن اَهلِ الجَنَّةِ یَتَعَوَّذُونَ مِنَ النَّعیم کَاَهلِ النّارِ یَتعَوَّذُونَ مِنِ الجَحیم

حق تعالی فرمود: ای غوث، برخی ازبندگانِ بهشتیِ من هستند که همانگونه که اهلِ جهنِم ازجهنَّم به من پناه میبرند آنان نیزازنعماتِ بهشتی به من پناه میبرند.

قالَ لی یا غَوثُ الاَعظمَ اِنَّ لی عِباداً سِوَی الانبیاوَالمُرسَلین لایَطَّلِعُ عَلی اَحوالِهِم اَحَدٌ مِن اَهلِ الدُّنیا وَلا اَحَدٌ مِن اَهلِ الآخِرَة وَلا اَحَدٌ مِن اَهلِ الجَنّة وَلا اَحَدٌ مِن اَهلِ النّاروَلامالِکَ وَلا رِضوانَ وَخَلَقتُهُم لالِلجَنَّةِ وَلا لِلنّاروَلا لِلصَّوابِ وَلا لِلعِقابِ وَلا لِلحُورِ وَلالِلقُصُورِوَلالِلغِلمانِ وَلالِلوِلدانِ فَطوبی لِمَن آمَنَ بِهِم وَاِن لَم یَعرِفهُم یاغَوثُ اَنتَ مِنهُم وَعَلاماتُهُم فِی الدُّنیا اَجسامُهُم مُحتَرِقَة مِن قِلَّةِالطَّعام وَالَشَّرابِ وَنُفُوسُهُم مُحتَرِقَةٌ عَنِ الشَّهَوات وَقُلُوبُهُم مُحتَرِقَةٌ عَنِ الخَطَراتِ وَاَرواحُهُم عَنِ اللّحَظات وَهُم اَصحابُ البِقاءِ مُحتَرِقُونَ بِنُورِاللِّقاءِ

به بنده فرمود ای غوث اعظم من بندگانی دارم غیرازانبیاء ومرسلین که هیچ احدی ازاهل دنیا وهیچ احدی ازاهل آخرت وهیچ احدی ازاهل بهشت وهیچ احدی ازاهل جهنم ونه مالک ونه رضوان ونه توابع ایشان آنان را نمیشناسند.آنان رانه برای بهشت نه برای جهنم نه برای صواب ونه برای عقاب نه برای حوری ها نه برای قصرها ،غلمان هاو ولدان آفریدم.خوشا به سعادت کسانی که به وجود آنان ایمان بیاورند،وتو یکی ازآنان هستی ،وعلامات ایشان دردنیا چنین است:

بدنهایشان از قلّتِ طعام ونوشیدنی سوخته، ونفس های آنان سوخته بخاطردوری نمودنشان ازشهوات وقلبهای ایشان سوخته ازدوری خاطرات وارواح ایشان سوخته شده ازلحظات وآن ها. وآنان اصحابِ بقاء هستند که سوخته اند به نورلقاء

یا غَوثُ مَن شَغَلَ بِسَوائی کانَ صاحِبُهُ النّارُ یَومُ القیامَة

ای غوث اگرکسی باغیرمن مشغول گردد درروزقیامت مصاحبش آتش خواهدبود.

یا غَوثُ الاَعظَم اَهلُ القُربَةِ یَستَغِیثُونَ عَن القُربِ کَاَهلِ البُعدِ یَستَغیثُونَ عَن البُعد

ای غوث همانگونه که اهل بُعد ودوری ازبُعد ودوری شکایت می کنند،اهل قرب نیز ازقرب شکایت می کنند.

یا غَوث اِذا جاءَکَ العَطشانُ فی یَومٍ شَدیدُ الحَرّ وَاَنتَ صاحِبُ الماء البارِدولَیسَ لَکَ حاجَةٌ بِالماء فَاِن مَنَعتُهُ فَاَنتَ اَبخَلُ البُخَلاء فَکَیفَ اَمنَعُهُم رَحمَتی وَاَنَا اَشهَدتُ وَسَجَّلتُ عَلی نَفسی بِاَنّی اَرحَمُ الرّاحِمین

ای غوث اگرروزی شخص تشنه ای نزدتوبیاید وازتوآب بخواهد وتوصاحب آب خنکی باشی که مازاد نیازت باشد وبه او ندهی ،توخسیس ترین خسیس ها خواهی بود و وقتی که چنین است من چگونه رحمتم راازبندگانم منع نمایم؟ درحالی که من به نفس خودم شهادت می دهم که من مهربان ترین مهربانان هستم.

یا غَوث ما بُعدَ عَنّی اَحَدٌ بِالمَعاصی اِلَیَّ وَما قَرُبَ مِنّی اَحَدٌلَکانَ مِن اَهلِ المَعاصی لِاَنَّهُم اَصحابُ العَجزِوَالنَّدَم

ای غوث همانگونه که هیچکس باگناهانش نمیتواند ازمن دورشود،هیچکس نیزنمی تواندبا طاعات به من نزدیک گردد،ای غوث شایداگرکسیبه من نزدیک گردد او ازصاحبانِ معصیت خواهدبود زیراصاحبان معصیت اشخاصی صاحب عجزوندامت می باشند.

یا غَوث العَجزُمَنبَعُ الأنوار وَالعُجُبُ مَنبَعُ الأکدار وَالأاوزار وَالظُّلُمات

ای غوث عجز منبعِ انوار است و عُجب منبعِ اَکدار واَوزار وظللمات.

یاغوث اَهلُ المَعاصی محجوبونَ بِالمَعاصی وَاَهلُ الطّاعاتِ مَحجُوبونَ بِالطّاعات وَلِیَ وَراءَهُم قَومٌ آخَرونَ لَیسَ لَهُم غَمٌّ بِالمَعاصی وَلاهُم بِالطّاعات

ای غوث صاحب معصیت با معاصی محجوب است ،صاحبِ طاعت هم با طاعات محجوب است،اما من به غیر ازاینهاقومی دارم که آنان نه قصدمعاصی می کنند ونه به طاعات اعتماد می نمایند.

یاغَوثُ اَنَا قریبٌ اِلَی المَعاصی بَعدَ ما فَرَغَ مِنَ المَعاصی وَاَنَا بَعیدٌ مِنَ المُطیع اِذا فَرَغَ عَنِ الطّاعات

ای غوث من به آن بنده ام که ازمعصیت ها فراغت نموده نزدیکم، به بنده مطیعم هم پس ازفراغت نمودن ازطاعات ازسوی او ،نزدیکم.

یا غَوث اَهلُ الطّاعات یَتَذَّللُونَ وَیَذکُرُونَ للِنَّعیم وَاَهلُ المَعاصی یَتَذَلَّلُونَ وَیَذکُرُونَ لِلرَّحیم

ای غوث صاحبان طاعت به نعمات تذلل نموده به ذکرمی پردازند،صاحبان معصیت نیز تذلل نموده وبه ذکر رحیم می پردازند.

یاغَوث خَلَقتُ العَوامَ فَلَم یُطیقُوا نُورَ بَهائی فَجَعَلتُ بَینی وَبَینَهُم حِجابُ الظُّلمَةِ وَخَلَقتُ الخواصَّ فَلَم یُطیقوا مُجاورَتی فَجَعَلتُ الأنوارَ بَینی وَبَینَهُم حِجاباً

ای غوث عوام راخلق نمودم،طاقتِ نورِجمالم رانیاوردند، میان خودوایشان پرده ظلمت برافراشتم .خواص راهم آفریدم به مجاورتِ من طاقت نیاوردند،میان خودوایشان هم پرده ای ازنورقرار دادم.

یا غَوث قُل لِاَصحابِکَ مَن اَرادَ مِنهُم اَن یَصِلَ اِلَیَّ فَعَلَیهِ بِالخُروُج عَن کُلِّ شَیءً سِوائی

ای غوث به یارانت بگو هرکدام ازآنان که بخواهدبه من واصل گردد بایدازهرچیزی غیرازمن بریده و جداگردد.

یاغَوث اُخرُج عَن عَقَبَةِ الدُّنیاتَصِل بِالآخرة وَاُخرُج عَن عَقَبَةِ الآخِرة تَصِل اِلَیَّ

ای غوث ازسربالائی دنیا بالا برو تابه سربالائی آخرت واصل گردی ،ازسربالائی آخرت بالا بروتا به من واصل گردی.

یا غَوث اُخرُج عَنِ الاَجسامِ وَالنُّفُوسِ ثُمَّ اُخرُج عَنِ القُلُوبِ وَالاَرواح ثُمَّ اُخرُج عَنِ الحُکمِ وَالاَمرِ تَصِل اِلَیَّ

ای غوث ازاجسام ونفوس ،سپس ازقلوب وارواح جدا و خارج شو ،بعدهم از اَمر جداشو تابه من واصل گردی.

فَقُلتُ یا رَبِّ اَیُّ الصَّلٰوةِ اَقرَبُ اِلَیک قالَ فَالصَّلٰوةُ الَّتی لَیسَ فیها سِوائی وَالمُصَلّی غائِبٌ عَنها

عرض کردم: ای پروردگارم کدام نمازبه شما نزدیکتراست؟ فرمود: نمازی که درآن جزمن هیچ چیزنباشد وحتّی نمازگزار هم ازآن دورو غائب گردد.

ثُمَّ قُلتُ اَیَّ صَوَمٍ اَفضَلُ عِندَکَ قالَ الصَّومُ الَّذی لَیسَ فیها سِوائی وَالصّائِمُ غائِبٌ مِنهُ

عرض کردم : ای پروردگارم کدام روزه به شما نزدیکتراست؟

فرمودکه : روزه ای که درآن جزمن چیزی نباشدوحتی روزه دارازآن غائب باشد.

ثُمَّ قُلتُ اَیَّ عَمَلٍ اَفضَلُ عِندِکَ قالَ مالَیسَ فیهِ سِوائی مِنَ الجَنَّةِ وَالنّارِ وَصاحِبُهُ غائِبٌ عَنه

سپس عرض کردم: کدامین عمل نزدشما با فضیلت تراست؟

فرمود: عملی که درآن قصدهیچ چیزی جزخودم نباشدمانند قصدبهشت وجهنم وحتی صاحبِ آن عمل ازآن عمل غائب شده باشد.

ثُمَّ قُلتُ اَیُّ ضِحکٍ اَفضَلُ عِندِکَ قالَ ضِحکُ البَکّائینَ التّائبین

سپس عرض کردم : کدامین خنده درنزدشما بافضیلت تراست؟

فرمود که : خنده اشک ریزانندگان توبه کننده.

ثُمَّ قُلتُ اَیَّ تُوَّبَةٍ اَفضَلُ عِندِکَ قالَ تُوبَةٌ المَعصُومین.

سپس عرض کردم : کدامین توبه درنزدشما با فضیلت تراست؟

فرمود: توبه معصومین.

ثُمَّ قُلتُ اَیُّ عِصمَةٍ اَفضَلُ عِندَکَ قالَ عِصمَةٌ التائِبین

سپس عرض کردم : کدامین عصمت نزدشما بافضیلت تراست؟

فرمود: عصمت توبه کنندگان.

ثُمَّ قالَ لی یاغَوثُ لَیسَ لِصاحبِ العِلمِ عِندی سَبیلٌ اِلّا بَعدَ اِنکارِهِ لِاَنَّهُ لَولَم یَترُکِ العِلمَ الَّذی عِندَهُ لَصانُ شَیطاناً

سپس حق تعالی به بنده فرمود: ای غوث برای صاحب علم درنزدمن راهی نیست مگربعدازترک نمودنِ علمی که نزداوست.اگرآنچه درنزداوست راترک ننماید این ازمراتب شیطان است.

قال الغَوثُ رَاَیتُ الرَّبَ تَعالی فَسَاَلتُ یارَبِّ مَعنِی العِشق قالَ یاغَوث اِعشِق لی اِعشِق بی وَالعِشقُ اَنَا وَفَرِّغ قَلبَکَ وَتَقَلُّبَکَ عَن سِوائی

غوث عرض نمود :پروردگارم را دیدم وپرسیدم یا ربّی معنای عشق چیست؟

الله تعالی فرمود: ای غوث عاشق من شو، آن عشق من هستم،قلبت راوهم تمامی احوالت را ازغیرمن فارغ گردان.

یاغَوثُ اِذا عَرَفتَ ظاهِرِالعشقِ فَعَلَیکَ بِالفَناء عَنِ العِشق لِاَنَّ العِشقَ حِجابٌ بَینَ العاشِقِ وَالمَعشُوقِ فَعَلَیکَ بِالفَناءِ عَنِ الغَیرِ حِجابٌ بَینَ العاشِقِ وَالمَعشُوق

ای غوث زمانی که ظاهرعشق رادریافتی باید ازعشق فانی گردی زیرا عشق پرده ای است میان عاشق ومعشوق ازغیراو فانی باید گردی زیرا پرده ای است میان عاشق ومعشوق

یا غَوث اِذا اَردَتَ التَوُبَة فَعَلَیکَ بِاِخراجِ هَمِّ الذَّنب عَنِ النَّفس ثُمَّ بِاِخراجِ خَطَراتِهِ عَنِ القَلبِ تَصِلِ اِلَیَّ وَاِلّا فَاَنتَ مِنَ المُستَهزِئین

ای غوث زمانی که خواستی توبه کنی بایدازقبل قصدِگناه نمودن را ازنفست خارج سازی.سپس هم اندیشه های گناه را ازقلبت خارج گردانی درآن صورت به من واصل توانی شد.و اِلّا ازمُستَهزئین خواهی شد.

یا غَوث اِذا اَردتَ اَن تَدخُلَ حَرَمی فَلا تَلتَفِت بِالمُلکِ وَالمَلَکُوتِ وَلا بِالجَبَروت لِاَنَّ المُلکَ شَیطان العالِمِ وَالمَلَکُوت شَیطانِ العارف وَالجَبَروت شَیطان الواقِف فَمَن رَضِیَ بِواحِدٍ مِنها فَهُوَ عِندی مِنَ المَطرودین

ای غوث زمانی که قصدورود به حرم مراداشتی نه به مُلک نه به ملکوت ونه به جبروت التفات نکن زیرا مُلک، شیطان عالِم است،ملکوت هم شیطانِ عارف است، جبروت هم شیطانِ واقف است

هرکس به یکی ازاینها راضی گردد درنزدمن ازمطرودان است.

قالَ لی یا غَوث المُجاهَدَةُ بَحرٌ مِن بِحارِالمُشاهَدَةِ وَحیتانُهُ الواقفونَ وَمَن اَرادَ الدُّخُولَ فی بَحرِالمُشاهَدَةِ فَعَلَیهِ بِاختیارالمُجاهَدَةِ لِاَنَّ المُجاهَدَةِ بَذرُالمُشاهَدَةِ

الله تعالی فرمود: ای غوث مجاهده دریائی ازدریاهای مشاهده است وماهیهای آن هم اهل وقوف هستند.برای کسی که قصدواردشدن به دریای مشاهده دارد ،مجاهده ضروری است.زیرا مجاهده بذرِ مشاهده است.

یا غَوث مَنِ اختارَ اِلَی المُجاهَدَةَ فَلَهُ مُشاهَدَتی اِن شاءَ اَو أبی

ای غوث اگرکسی بخاطِرمن مجاهده اختیارنماید برای او مشاهده وجود دارد چه بخواهد چه نخواهد.

یا غَوث مَن حَرُمَ عَن مُجاهَدَتی فَلا سَبیلَ اِلی مُشاهِدَتی

ای غوث برای آنکه ازمجاهده محروم شده راهی برای مشاهده وجود ندارد.

یاغَوث لابُدَّ لِلطّالِمینَ مِنَ المُجاهَدَةِ کَمالابُدَّ لَهُم مِنّی

ای غوث همانگونه که من برای طلب کنندگانم ضروری هستم ،مجاهده هم ضروری است.

یاغَوث اَفضَلُ العِبادِ وَاَحَبُّ العِبادِ اِلَیّ العَبدُ الَّذی کانَ لَهُ الوالِدُ وَالوَلَدُوَقَلبُهُ فارِغٌ عَنهُما فَلَومَاتَ لَهُ الوالِدُ فَلَیسَ لَهُ حُزنُ بِمُوتِ الوالِدِ وَلَومَاتَ وَلَدُ فَلایَکُونُ لَهُ الهَمُّ

بِمَوتِ الوَلَدِ فَاِذا بَلَغ العَبدُ هذِهِ المَرتَبَة وَالمَنزِلَة فَهُوَعِندی بِلاوالِدٍ وَلاوَلَدٍ وَلَم یَکُن لَهُ کُفُواً اَحَد

ای غوث با فضیلت ترین ومحبوب ترین بندگانم نزدمن کسی است که با داشتن پدرومادر واولاد ،قلبش ازآنان فارغ باشد.اگرپدرومادرش وفات نمایند با وفات آنان محزون نمی گردد ،اگراولادش وفات نمایند با وفاتِ آنان مُکَدَّر نمی گردد،به این ترتیب آن بنده ام وقتی به این مرتبه رسید، درنزدمن او به مقام –لَم یَکُن لَهُ کُفُواً اَحَد- (یعنی به مقام بدون پدربدون مادر بدون اولاد)می رسد.

یا غَوث مَن لَم یَذُق فَناءَ الوالِدِ بِمَحَبَّتی وَفَناءَ الوَلَدبِمَوَدَّتی لَم یَجِد لَذَّةَ الوَحدانیَّةِ وَالفَردانیَّة

ای غوث کسی که ازروی محبّت من فناء پدرومادرش را نچشد وفناء اولاد را ازروی مودَّتِ من نچشد لذَّتِ وحدانیّت وفردانیّت رانخواهدیافت.

یا غَوث اِذا اَرَدتَ اَن تَنظُرَ اِلَیَّ فی مَحَلٍّ فَاختَر قَلباً حَزیناً فارِغاً عَن ماسَوائی

ای غوث زمانی که درمحلّی قصدنظرنمودن به من راداشته باشی قلبی محزون اختیارکن که فارغ ازغیرمن باشد.

فَقُلتُ وَماعِلمُ العِلم قالَ لی یا غَوث الاَعظَمُ عِلمُ العِلمُ هُوَ الجَهلُ عَنِ العِلم

عرض کردم ای پروردگارم عِلمِ عِلم چیست؟

حق تعالی فرمود: عِلمِ علم ، جَهلِ ازعلم است.

یا غَوثُ طوبی لِعَبدٍ مالَ قَلبُهُ اِلَی المُجاهداتِ وَوَیلٌ لِعَبدٍ مالَ قَلبُهُ اِلَی الشَّهَوات

ای غوث خوش به حال بنده ای که قلبش به مجاهدات میل نماید و وای برحال بنده ای که قلبش به شهوات میل نماید.

قالَ الغَوثُ رَاَیتُ الرَّبُ ثُمَّ سَالتُ عَنِ المِعراج   قالَ لی : یا غَوث اَلمِعراجُ هُوَ المِعراجُ عَن کُلِّ شَیءً سِوایَ وَکَمالُ المِعراجِ مازاغَ البَصَرُ وَماطَغی

غوث گفت : پروردگارم ر مشاهده نمودم وازمعراج پرسیدم ،به من فرمود: ای غوث معراج عروج ازهرچه غیر من است و کمالِ معراج هم سِرّ مازاغَ البَصَرُ وَما طغی است.

یا غَوثُ الصَّلوةَ لِمَن لَیسَ لَهُ عِندی مِعراجٌ وَهُوَ المَحرومُ عَنِ الصَّلوة

حق تعالی فرمود: ای غوث درنزد من آنکسی که معراج ندارد نمازی برایش نیست. و او ازنماز محروم است.

وَالسَّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الهُدی وَاللهُ اَعلَمُ وَاَکرَمُ وَالحَمدُ لِلهِ اَوَّلاً وَآخِراً وَظاهِراً وَباطِنَاً وَصَلَّی اللهُ عَلی نَبیِّهِ سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآله اَجمَعین وَالحمدُلِله رَبِّ العالَمین.

کسب درآمدازاین ترجمه جایزنمیباشد

ح.ک.مقدم